

"مقاله پژوهشی"

استفاده از نگرش بهره‌برداران به عنوان شواهدی برای جلوگیری از تخریب مراتع (مطالعه موردی: استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان)

حسین ارزانی^۱، علی اکبر مهرابی^۱، ستاره باقری^۲ و محمدرضا علی زارع^۳

۱- استاد، گروه احیا مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران، (نویسنده مسوول: harzani@ut.ac.ir)

۲- استاد، گروه احیا مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

۳- پژوهشگر پسا دکتری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و مهندسی مرتع، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۷

صفحه: ۳۳ تا ۴۳

چکیده مبسوط

مقدمه و هدف: مدیریت مراتع نسبت به عرصه‌های دیگر دشوارتر است زیرا مدیریت این عرصه‌ها شامل مدیریت و یکپارچه‌سازی همزمان تولید علوفه، تولید دام و بهره‌برداری از علوفه در یک مکان است. بر این اساس در نظر گرفتن ابعاد مختلف گروه‌های بهره‌بردار در مدیریت و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مراتع حایز اهمیت است. این تحقیق نیز با هدف بررسی نگرش بهره‌برداران نسبت به افزایش مراتع شامل افزایش بین واحدهای بهره‌برداری و افزایش درون واحدهای بهره‌برداری و تعیین حد و مرز مراتع با استفاده از گزینه‌های عرف، قانون و یا ترکیبی از هر دو گزینه (جهت‌گیری بهره‌برداران نسبت به تحولات آینده) در سه استان لرستان، مرکزی و سمنان انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها ابتدا سطوحی برای هر یک از متغیرها در نظر گرفته شد. سپس، داده‌ها با استفاده از یک پرسشنامه استاندارد شده جمع‌آوری و با استفاده از آزمون کای اسکور در نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: از نتایج فراوانی متغیرها مشخص شد که از دید اکثر پاسخگویان افزایش بین واحدهای بهره‌برداری انجام شده است؛ در حالیکه افزایش درون واحدها صورت نگرفته است. به‌علاوه، در استان‌های لرستان و مرکزی به‌ترتیب ۶۸/۹۰ و ۶۸/۳۵ درصد بهره‌برداران اهمیت بیشتری به قانون در تعیین حد و مرز مراتع داده‌اند. اما در استان سمنان ۴۰/۶۷ درصد بهره‌برداران اهمیت بیشتری برای عرف قابل شده‌اند. همچنین مشخص شد که بیشتر بهره‌برداران نسبت به افزایش مراتع "بین" و "درون" واحدهای بهره‌برداری رضایت دارند. در استان لرستان بین متغیرهای شغل ($p < 0.01$) و تجاوز به مرتع ($p < 0.05$) با رضایت از افزایش بین واحدهای بهره‌برداری، تجاوز به مرتع ($p < 0.05$) با رضایت از افزایش درون واحدهای بهره‌برداری و در نهایت تحصیلات ($p < 0.05$) و تمایل به ترک دامداری ($p < 0.05$) با نقش عرف و قانون در تعیین حد و مرز مراتع ارتباط معنادار مشاهده شد. در استان مرکزی بین متغیر شرکت تعاونی عشایری ($p < 0.05$) با افزایش بین واحدهای بهره‌برداری و در استان سمنان بین متغیر وضع مراتع با متغیر افزایش درون واحدهای بهره‌برداری رابطه آماری معنادار ($p < 0.05$) گزارش شد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته این پژوهش از دید بهره‌برداران افزایش مراتع در ایران یک مساله است. در مقابل، در سایر کشورها افزایش مراتع مساله و مشکل نبوده است. بنابراین لازم است که براساس دانش بومی منطقه به حل این مساله پرداخته شود. زیرا این امر منجر به اتخاذ تصمیمات بی‌طرفانه براساس اطلاعات علمی و عینی می‌شود. به‌علاوه، سیاست‌ها و اقدامات حفاظت از مراتع را می‌توان براساس نگرش بهره‌برداران بهبود بخشید. به‌طورکلی، بررسی نگرش بهره‌برداران علاوه بر اینکه بینش‌های مهمی را در مورد مشاهدات، درک و تفسیر تاثیرات اجتماعی و نتایج اکولوژی تخریب مراتع فراهم کند حمایت بهره‌برداران را در طولانی مدت تضمین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بهره‌برداران، مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی، مراتع، لرستان

مقدمه

(۲۱) و به صورت عمومی و اشتراکی (۹) بدون پرداخت هیچ گونه مالیات در اختیار جامعه شسانی قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، استفاده بیش از حد از مراتع عمومی همیشه با کاهش پوشش گیاهی و تولید بیوماس بالای سطح زمین همراه است (۲۷). لذا با توجه به تخریب روز افزون مراتع و ناتوانی نهادهای اجتماعی سنتی ایلی و دولتی در تنظیم رابطه دام، مرتع و بهره‌بردار افزایش مراتع می‌تواند تکلیف هر واحد بهره‌برداری کوچک (برای مثال خانواده) را در قبال مراتع مشخص کند. به عبارتی دیگر، با افزایش مراتع به صورت مشخص و قانونی هر واحد بهره‌بردار خانوادگی می‌داند چگونه رابطه‌اش را با مرتع طوری تنظیم کند که از چرای بی رویه دام و تخریب مراتع جلوگیری کند (۲۶).

در مراتع تحت مالکیت خصوصی مدیریت مرتع عموماً شامل دستیابی به ماکزیم سود سالانه در واحد سطح می‌باشد که گاهی با گذاشتن مقداری از علوفه برای موارد ضروری در سطح مرتع و یا احیای پتانسیل تولیدی مرتع همراه خواهد بود (۳). نتایج مطالعه هاردین (۱۲) که اعلام کرد برخی از کشورها مانند چین، آسیای مرکزی و آفریقای جنوبی معتقد

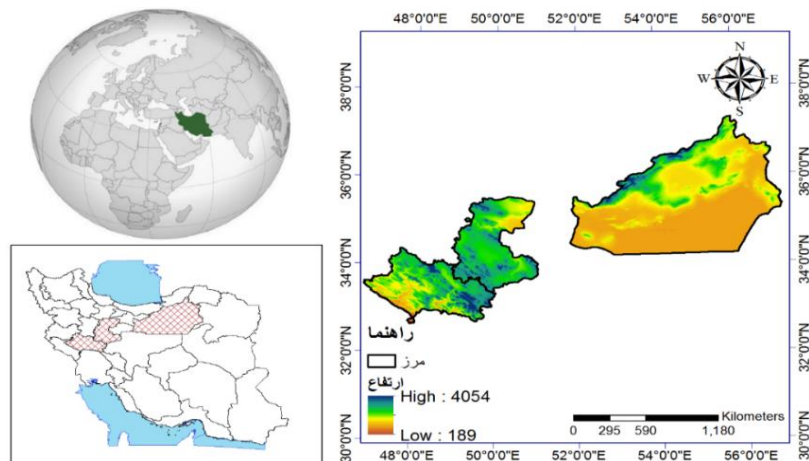
رها کردن منابع زیست محیطی و نبود حقوق مالکیت خصوصی یا دولتی زمینه تخریب منابع طبیعی را فراهم می‌کند (۹). تخریب کمی و کیفی مراتع علاوه بر کاهش تولید علوفه، به انواع صدماتی در این عرصه‌ها منجر می‌شود که هیچ یک از این صدمات را نمی‌توان کم اهمیت‌تر از کاهش تولید علوفه مرتع تلقی نمود (۱۸). از آنجایی که لازم است قبل از هر گونه اقدامی تخریب منابع طبیعی متوقف شود و با توجه به اینکه افزایش مراتع می‌تواند زمینه کاهش تخریب مراتع را فراهم کند؛ این تحقیق با هدف شناسایی دقیق دیدگاه بهره‌برداران مناطق مختلف در رابطه با افزایش مراتع مناطق اکولوژیکی مختلف و اولویت‌بندی آنها انجام گرفته است. متأسفانه، در نیم قرن اخیر، به دلیل ماهیت شکننده منابع طبیعی (۱۳) و وضعیت ضعیف مالی بهره‌برداران، شیوه‌های بهره‌برداری و نوع مدیریت مراتع کشور دستخوش دگرگونی و تغییرات زیادی شده است (۱۴). برخی از مطالعات نیز ضعف مدیریت در مراتع عمومی و در نتیجه تخریب آنها را تایید کرده‌اند (۸). زیرا این نوع از مراتع از یک طرف به منظور چرای دام در طول سال

غیرقابل دفاع شود (۷)؛ این مطالعه به دنبال جمع‌آوری شواهدی برای ارزیابی انواع مختلف افزایش مراتع و نقش عرف و قانون در تعیین حد و مرز مراتع با در نظر گرفتن خصوصیات فردی و اجتماعی بهره‌برداران مراتع می‌باشد. در واقع، هدف این مطالعه بر این اساس است که نظر بهره‌برداران را نسبت به افزایش مراتع، مالکیت مراتع و اولویت انتخابی آنها در تعیین حد و مرز مراتع توسط عرف، قانون و یا هر دو را در استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان ارزیابی کند.

مواد و روش‌ها

این تحقیق در سه استان لرستان، مرکزی و سمنان انجام گردید. استان لرستان با ۲۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، بین ۴۶°۵۱' تا ۵۰°۳' طول شرقی و ۳۲°۲۷' تا ۳۴°۱۲' دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. استان مرکزی در محدوده ۳۳°۲۳' تا ۳۵°۳۴' عرض شمالی و ۴۸°۵۸' تا ۵۱°۴' طول شرقی قرار دارد. مساحت این استان حدود ۲۹۴۰۰ کیلومتر مربع (۱/۸۲ درصد سطح کل کشور) است. استان سمنان نیز در مختصات جغرافیایی، ۵۱°۵۲' تا ۵۷°۳' طول شرقی و ۳۴°۱۴' تا ۳۶°۱۹' عرض شمالی واقع شده است. مساحت این استان ۹۷۴۹۱ کیلومتر مربع می‌باشد که ۵/۸ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است (شکل ۱).

هستند که خصوصی‌سازی مراتع باعث جلوگیری از چرای بیش از حد دام‌ها و ایجاد انگیزه برای دامداران به منظور اتخاذ شیوه‌های مدیریت پایدار مراتع می‌شود مهر تاییدی بر مطالب فوق است. هاردین (۱۲) اعلام کرد که تخریب املاک عمومی امری اجتناب‌ناپذیر است، مگر اینکه ملک به مالکیت خصوصی یا عمومی تبدیل شود که در آن حق ورود محدود شود. در مقابل، برخی دیگر از پژوهشگران (۶) اظهار کردند که روش چرای مشترک که در مالکیت‌های عمومی اعمال می‌شود مناسب‌تر است، زیرا توسط این روش دامداران قادر هستند از یک طرف تحرک چرایی را افزایش داده و از طرف دیگر، تخریب ناشی از چرای بیش از حد دام را کاهش دهند. به‌طور کلی این طور استنباط می‌شود که مالکیت خصوصی بر مالکیت عمومی ترجیح داده می‌شود. مگر در دو حالت، مالکیت عمومی بتواند جامعه را به اهدافش که با مالکیت خصوصی برای جامعه قابل دستیابی نبوده برساند و یا کارایی مالکیت خصوصی در رساندن جامعه به اهداف از پیش تعیین شده ضعیف‌تر باشد (۳). با توجه به اینکه به هر اطلاعاتی که به فرد کمک می‌کند تا نتیجه‌گیری کند یا از یک قضاوت حمایت کند شواهد گفته می‌شود (۲۲) و از آنجایی که بدون استفاده از طیف وسیعی از رویکردها و روش‌های علوم اجتماعی و طبیعی، ممکن است عوامل زمینه‌ای مبهم باشند و درک زمینه‌ای ناکافی ممکن است منجر به اقدامات حفاظتی



شکل ۱- موقعیت مناطق مورد مطالعه
Figure 1. Location of the studied areas

واحدهای بهره‌برداری، ب) اهمیت عرف، قانون یا هر دو آنها از دید بهره‌برداران در تعیین حد و مرز مراتع و ج) جهت‌گیری نگرش آنها پیرامون مسایل حال و آینده اقدامات احیای مراتع باشد. شایان ذکر است که افزایش مراتع یکی از مسایل مهم بهره‌برداران مراتع در سده اخیر است، این در حالی است که این معضل بدون توجه به اینکه چه ضابطه و ملاکی برای تعیین حد و مرز مراتع باید مورد توجه قرار گیرد امکان‌پذیر نیست. به ویژه آنگاه که بین عرف محلی و قانون رسمی دولتی در تعیین حد و مرز مراتع تعارض به وجود می‌آید. از این رو، در این تحقیق بررسی شد که بهره‌برداران در افزایش

روش‌شناسی تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات

این تحقیق از نوع توصیفی است و در آن از شیوه‌های پیمایشی استفاده گردید. اطلاعات و مدارک مرتبط با موضوع از جمله آمار و اطلاعات مربوط به بهره‌برداران (ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنها) از طریق پرسشنامه استاندارد شده جمع‌آوری گردید. استخراج اطلاعات از پرسشنامه محور اصلی اخذ اطلاعات بود که در سطح جمع‌آوری اطلاعات از بهره‌برداران مراتع با شغل غالب دامداری تهیه شد. پرسشنامه براساس تحقیقات قبلی به گونه‌ای تدوین شد که قادر به شناسایی الف) وضعیت موجود افزایش مراتع در بین و درون

غالبشان دامداری است، رضایت بیشتری از افزایش مراتع بین واحدهای بهره‌بردارانی دارند. ذکر این نکته مهم است که رضایت شغلی، همانند بسیاری از متغیرهای دیگر، پدیده‌ای است که در اثر عوامل گوناگون شکل می‌گیرد و بر عوامل متعدد تاثیرگذار است (۲۳). بنابراین، اگر انتظارات فرد در ارتباط با ادامه شرایط کنونی کار در طولانی مدت تامین شود، امنیت شغلی و در نتیجه رضایت شغلی وی افزایش می‌یابد (۱۱). با بسط این نتیجه به تحقیق حاضر استنباط می‌شود که بهره‌بردارانی که شغل غالبشان دامداری است از شغل خود رضایت کامل دارند و افزایش مراتع را راهکاری جهت حفظ و استمرار بقای شغل خود تلقی می‌کنند؛ در نتیجه نسبت به افزایش مراتع رضایت بیشتری نشان داده‌اند. در همین رابطه برخی از محققان گزارش داده‌اند که میزان مشارکت فراگیران رابطه قوی با میزان رضایت آنها دارد (۱) که مهر تاییدی بر مطب فوق می‌باشد.

در مورد متغیر تجاوز به مرتع با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت بهره‌بردارانی که اعلام کرده‌اند که به مرتع آنها تجاوز شده است، رضایت بیشتری از افزایش مراتع بین واحدهای بهره‌بردارانی داشته‌اند.

مطابق نتایج استان مرکزی فقط بین متغیر شرکت تعاونی عشایری و رضایت از افزایش بین واحدهای بهره‌بردارانی ارتباط معنی‌دار وجود دارد ($p < 0.05$). بطوریکه با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که واحدهای که دارای شرکت تعاونی عشایری نبوده‌اند، رضایت بیشتری از افزایش مراتع بین واحدهای بهره‌بردارانی داشته‌اند. برخی از محققان (۲۴)، نظام تعاونی را یکی از الگوهای مدیریت مراتع و جلب مشارکت مردمی در حفظ و احیای این منابع محسوب کرده‌اند و نظام تعاونی را یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های تولیدی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی معرفی کرده‌اند و توجه به آن را در مدیریت پایدار منابع طبیعی موثر تلقی کرده‌اند زیرا انتقال سند بهره‌بردارانی مراتع به تعاونی‌ها، شرکت‌ها و یا دامداران حقیقی، این امکان را فراهم می‌کند تا دامداران به راحتی با بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و دیگر منابع اقتصادی ارتباط برقرار کرده و از امکانات آنها استفاده نمایند (۵). در مقابل، برخی دیگر از محققان اظهار کرده‌اند که چنین سیستم‌های حمایتی نه تنها باعث کاهش آسیب‌پذیری نشده، بلکه باعث افزایش آسیب‌پذیری و افزایش وابستگی بهره‌برداران به دولت شده است. مشکل دیگری که در اجرای سیاست واگذاری مراتع به بهره‌برداران وجود دارد این است که در اکثر مناطق به دلیل تعدد بهره‌برداران بالا در عرصه‌های مرتعی و عدم امکان واگذاری آنها به اشخاص به صورت انفرادی، دامداران در قالب تعاونی تشکل یافته‌اند و براساس تعداد دام موجود در پروانه چرا و اساسنامه‌ای که برای تشکیل شرکت و یا تعاونی تنظیم و ثبت نموده‌اند، سهم دریافت کرده که به نوعی گسترش روش بهره‌بردارانی مشاعی بوده که چندان مورد قبول بهره‌برداران و ضامن پایداری مراتع محسوب نمی‌گردد (۲۵)؛ زیرا متعاقب افزایش تعداد بهره‌بردار پوشش گیاهی مراتع کاهش می‌یابد این در حالی است که کاهش پوشش گیاهی از جمله عواملی معرفی شده است که فرایند تخریب زمین را تسریع می‌کند

مراتع کدام مرجع (عرف یا قانون یا ترکیبی از هر دو) را در نظر گرفته‌اند. زیرا نظر بهره‌برداران در مورد اهمیت قایل شدن برای عرف یا قانون مستقیماً به افزایش مراتع مربوط می‌شود و در هر صورت براساس عرف یا قانون یا ترکیبی از هر دو باید افزایش مراتع سامان یابد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها ابتدا برای هر یک از متغیرها سطوحی در نظر گرفته شد. سپس با در نظر گرفتن سطوح کم، متوسط و زیاد برای متغیرهای رضایت از افزایش بین و درون واحدهای بهره‌بردارانی؛ و گزینه‌های عرف، قانون، هر دو گزینه (عرف و قانون) و سایر برای متغیر تعیین حد و مرز مراتع نظرسنجی‌ها در سه استان لرستان، مرکزی و سمنان انجام شد. در نهایت آنالیز آماری داده‌ها با استفاده نرم افزار SPSS و آزمون کای اسکوتر انجام شد.

نتایج و بحث

یافته‌های این تحقیق نشان داد که در خارج از کشور هیچ گونه پژوهشی در زمینه افزایش مراتع صورت نگرفته است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که در خارج از کشور افزایش مراتع مشکل و مساله نبوده است که مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، در ایران نیز به طور گسترده به این مساله پرداخته نشده است. قابل ذکر است که به دلیل تعدد بالای جدول‌ها، در این تحقیق از آوردن نتایج جدول فراوانی متغیرها اجتناب شده است. اما با توجه به نتایج فراوانی متغیرها مشخص شد که بیشتر پاسخگویان بیان کرده‌اند که در واحدهای بهره‌بردارانی، افزایش مراتع بین واحدهای بهره‌بردارانی (به ترتیب برای استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان ۷۴/۳۵، ۸۵/۱۸ و ۶۰ درصد) انجام شده است. در سه استان مذکور اکثر بهره‌برداران (به ترتیب برای استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان ۸۰/۲۰، ۸۴/۹۱ و ۵۴/۶۷ درصد) اعلام کرده‌اند که افزایش مراتع درون واحدها صورت نگرفته است. بعلاوه، مشخص شد که در استان‌های لرستان و مرکزی بهره‌برداران (به ترتیب ۶۸/۹۰ و ۶۸/۳۵ درصد) اهمیت بیشتری به قانون در تعیین حد و مرز مراتع داده‌اند. اما در استان سمنان بهره‌برداران (۴۰/۶۷ درصد) اهمیت بیشتری برای عرف قایل شده‌اند.

مطابق نتایج جدول ۱ بیشترین فراوانی رضایت از افزایش بین و درون واحدهای بهره‌بردارانی متعلق به استان لرستان است. همچنین گزینه عرف در استان لرستان، قانون در استان مرکزی و عرف و قانون در استان سمنان بیشترین فراوانی را در مورد تعیین حد و مرز مراتع به خود اختصاص داده‌اند. به طور کلی، از دیدگاه بهره‌برداران سه استان مذکور عرف بالاترین فراوانی را (در بین گزینه‌های مطرح شده) به خود اختصاص داده است. یکی از دلایل این امر ممکن است این موضوع باشد که عرف و عادت به نوعی شکل دهنده روابط اجتماعی در معاملات و داد و ستدها هستند. بطوریکه عرف در بسیاری از مواضع در مقام تغییر و تبیین قوانین شناخته شده است.

مطابق نتایج جدول ۲ در استان لرستان، از میان متغیرهای فردی و اجتماعی تاثیرگذار بر رفتار بهره‌برداران، بین متغیرهای شغل و تجاوز به مرتع با رضایت از افزایش مراتع رابطه معنی‌دار به ترتیب ($p < 0.01$) و ($p < 0.05$) وجود دارد. بطوریکه با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بهره‌بردارانی که شغل

استفاده از نگرش بهره‌برداران به‌عنوان شواهدی برای جلوگیری از تخریب مراتع (مطالعه موردی: استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان) ۳۶

مرتج ادغام کنند؛ زیرا مشارکت دامداران سنتی در اجرای این سیاست‌ها می‌تواند به حفظ بهتر مراتع کمک کند (۱۶). همچنین مطابق نتایج استان مرکزی، بین متغیرهای فردی و اجتماعی رضایت از افزایش مراتع در واحدهای افزایش نشده رابطه معنادار آماری مشاهده نمی‌شود. به بیانی دیگر، ویژگی‌های فردی و اجتماعی مورد سنجش در تحقیق حاضر تاثیر معنی‌داری در میزان رضایت بهره‌برداران از افزایش مراتع در واحدهای افزایش نشده ندارند.

در استان سمنان فقط بین متغیر وضع مرتج با میزان رضایت از افزایش درون واحدهای بهره‌برداری ارتباط معنادار آماری ($p < 0.05$) وجود دارد، بطوریکه با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بهره‌بردارانی که اعلام کرده‌اند وضع مرتج آنها بهتر نشده است، رضایت بیشتری از افزایش درون واحدهای بهره‌برداری دارند.

رضایت بیشتر از افزایش درون واحدهای بهره‌برداری متعاقب وضع نامطلوب مراتع، به این علت است که با تقسیم و تفکیک مراتع، به نوعی مالکیت خصوصی به افراد تعلق می‌گیرد که متعاقب آن حفاظت بهتری از مراتع همراه با اقدامات اصلاحی و احیایی انجام می‌گیرد که در نهایت منجر به بهبود وضعیت مراتع می‌شود. بنابراین، بهره‌بردارانی که وضع مراتع آنها نامطلوب است اعلام کرده‌اند که نسبت به افزایش مراتع درون واحدهای بهره‌برداری احساس رضایت دارند. در همین راستا، برخی از پژوهشگران عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌برداران را در وضع نامناسب مراتع تایید کرده‌اند؛ بطوریکه درآمد، سامان عرفی مشترک (۱) فقدان حس مالکیت بر مرتج و چرای رقابتی (۱۵) از جمله عوامل کنونی در وضع نامناسب مراتع بدلیل مشاعی بودن بهره‌برداری از مراتع معرفی شدند.

(۲۸،۲۰). در همین راستا مدیریت خصوصی مراتع براساس طرح‌های مرتعداری به‌عنوان بهترین گزینه مدیریتی معرفی شده است (۴). بنابراین، تفکیک سامان‌های عرفی بهره‌برداران و واگذاری مجزا و انفرادی بهتر از روش‌های دیگر می‌باشد؛ اگرچه ممکن است این امر، شرایط اقتصادی، مسایل علمی و فنی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

بین سایر متغیرها با رضایت از افزایش مراتع بین واحدهای بهره‌برداری در این استان هیچ‌گونه رابطه معنادار آماری وجود ندارد. به عبارتی دیگر، صرف‌نظر از ویژگی‌های فردی و اجتماعی، رضایت نسبتاً یکسانی بین افراد و گروه‌های مختلف بهره‌بردار وجود دارد. همچنین مطابق نتایج در استان سمنان بین هیچ کدام از متغیرها با رضایت از افزایش مراتع بین واحدهای بهره‌برداری، رابطه معنادار آماری وجود ندارد.

در مورد افزایش درون واحدهای بهره‌برداری، مطابق اطلاعات ارائه شده در جدول ۲، در استان لرستان فقط بین متغیر تجاوز به مرتج و میزان رضایت از افزایش درون واحدهای بهره‌برداری ارتباط معنادار آماری ($p < 0.05$) وجود دارد، بطوریکه با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بهره‌بردارانی که اعلام کرده‌اند به مرتج آنها تجاوز شده است، از افزایش مراتع رضایت بیشتری دارند. بهره‌بردارانی که به مراتع آنها تجاوز شده است ارزش‌های مراتع را به خوبی درک کرده‌اند، بنابراین نسبت به افزایش مراتع و جلوگیری از تجاوز به مرتج که قطعاً با پیامدهای کاهش تخریب و افزایش ارزش‌های مراتع همراه است رضایت بیشتری دارند. در این مورد مشاهده دامداران از وضعیت مرتج، بیش‌هایی را در مورد فرآیندها و تغییرات اکولوژیکی ارائه کرده است (۱۷،۱۰). در این مورد پیشنهاد شده است که ادراکات و شیوه‌های جامعه را در سیاست‌های

جدول ۱- توزیع فراوانی متغیرهای مورد بررسی در سه استان لرستان، مرکزی و سمنان

Table 1. Frequency distribution table of the investigated variables in the three provinces of Lorestan, Markazi and Semnan

نام متغیر	نام استان	کم	متوسط	زیاد
رضایت از افزایش بین واحدها	لرستان	۳۰۵۹	۱۳۴۵	۲۶۹۰
	مرکزی	۳۴۰	۱۵۴	۲۲۵۷
	سمنان	۳۳۳	۹۱	۲۱۸۴
	کل	۲۷۳۲	۱۵۹۰	۷۱۳۱
رضایت از افزایش درون واحدها (افزایش نشده)	لرستان	۱۵۳۳	۶۸۶	۳۱۴۷
	مرکزی	۱۰۱۵	۲۸۹	۱۲۱۱
	سمنان	۱۱۸۲	۲۲۱	۱۴۲۵
	کل	۳۷۳۰	۱۱۹۶	۵۷۸۳
نام متغیر	نام استان	عرف	قانون	عرف و قانون
	لرستان	۳۴۸۱	۱۳۸۳	۲۴۰
	مرکزی	۱۶۷	۱۵۱۴	۶۰۲
	سمنان	۱۶۰۱	۱۳۶۱	۱۲۳۲
کل	۵۲۴۹	۴۲۵۸	۲۰۷۴	

ms: عدم وجود اختلاف معنی‌دار، * : اختلاف معنی‌دار در سطح ۵٪، **: اختلاف معنی‌دار در سطح ۱٪

جدول ۲- خلاصه نتایج آزمون کای اسکوئر برای بررسی متغیرهای فردی و اجتماعی موثر بر میزان رضایت بهره‌برداران از افراز مراتع بین و درون واحدهای بهره‌برداری در سه استان لرستان، مرکزی و سمنان

Table 2. Summary of Chi-Square test results to investigate individual and social variables affecting the level of exploitation' satisfaction for rangeland apportion between and within exploitation units in three provinces of Lorestan, Markazi and Semna

Sig.	Chi-square	رضایت از افراز درون واحدها			Sig.	Chi-square	رضایت از افراز بین واحدها			نام استان	نام متغیر
		زیاد	متوسط	کم			زیاد	متوسط	کم		
n.s	۳/۴۷	۸۸	۹	۵۷	n.s	۷/۲۹	۶۹	۴۶	۸۵	لرستان	نوع بهره‌برداری
		۹۳	۱۰	۵۰			۸۶	۴۳	۷۱	مرکزی	
		۸۴	۲۳	۴۶			۸۶	۴۳	۹۳	سمنان	
n.s	۳/۵۸	۵۸	-	۲۹	n.s	۸/۸۶	۱۰	-	-	لرستان	سن
		-	۵۸	-			۲	-	-	مرکزی	
		۱۷	۲۴	۳۹			۸۰	۹۱	۹۱	سمنان	
n.s	۱/۶۵	۵۸	-	۲۰	n.s	۰/۷۲	۹۱	-	-	لرستان	تحصیلات
		۸۷	-	-			۱۰	-	-	مرکزی	
		۴۱	۷	۳۹			۷۹	۲	۱۰	سمنان	
n.s	۵/۶۰	۱۵۳	۳	۱۹	n.s	۲۶/۹۴	۸۶	۴۴	۷۰	لرستان	بعد خانوار
		۱۳۱	۱۳	۸			۳۲	۶۲	۱۰۴	مرکزی	
		۴۶	۳	۳۷			۷۵	۲	۱۴	سمنان	
n.s	۱۱/۴۸	۲۲	۱۳	۴۳	n.s	۵/۱۴	۹۱	-	-	لرستان	وضع مرتع
		۴۷	۳	۳۷			۸۳	۲	۵	مرکزی	
		۲۲	۱۳	۴۲			۷۵	۲	۱۴	سمنان	
n.s	۳/۰۶	۸۰	۱۳	۶۰	n.s	۱۱/۵۶	۵۷	۴۲	۱۰۰	لرستان	طرح مرتع‌داری
		۱۰۱	۱۲	۴۱			۶۵	۴۸	۸۷	مرکزی	
		۸۶	۲۱	۴۷			۶۵	۶۱	۷۴	سمنان	
n.s	۱۰/۲۳	۷۹	۱۸	۵۷	n.s	۹/۱۷	۶۹	۴۷	۸۴	لرستان	وضع مرتع
		۶۵	-	۲۲			۹۱	-	-	مرکزی	
		۵۶	۳	۲۸			۷۴	۴	۱۲	سمنان	
n.s	۶/۷۶	۴۰	۹	۳۶	n.s	۳/۳۹	۷۸	-	۱۳	لرستان	وضع مرتع
		۲۹	۹	۴۹			۸۳	۲	۵	مرکزی	
		۶۵	-	۲۲			۲۷	-	-	سمنان	
n.s	۳۰/۶	۹۱	۱۳	۴۹	n.s	۶/۱۸	۶۱	۵۳	۸۵	لرستان	وضع مرتع
		۸۱	۲۷	۴۵			۶۸	۲۵	۸۹	مرکزی	
		۸۱	۹	۶۳			۸۲	۴۵	۷۳	سمنان	
n.s	۱۲/۶۴	۳۲	۱۱	۴۲	n.s	۳/۴۱	۷۹	۲	۱۰	لرستان	وضع مرتع
		۵۱	-	۳۶			۸۳	۳	۵	مرکزی	
		۵۴	۱۱	۲۲			۷۳	-	۱۸	سمنان	
n.s	۷/۷۶/۶۱	۲۳	۱۲	۴۲	n.s	۲/۱۰	۷۹	۲	۱۰	لرستان	وضع مرتع
		۵۱	-	۳۶			۸۳	۳	۵	مرکزی	
		۵۴	۱۱	۲۱			۷۳	-	۱۸	سمنان	
n.s	۵/۷۴	۹۳	۵۰	۵۱	n.s	۹/۲۸	۶۷	۶۰	۷۳	لرستان	وضع مرتع
		۹۳	۱۸۸	۷۵			۶۱	۴۶	۹۲	مرکزی	
		۸۳	۱۹	۵۱			۷۵	۵۵	۷۰	سمنان	
n.s	۱۰/۲۳	۳۵	۵	۴۷	n.s	۵/۴۷	۸۲	-	۹	لرستان	وضع مرتع
		۴۶	۶	۳۵			۷۷	۴	۱۰	مرکزی	
		۵۰	۲۵	۱۲			۹۰	-	-	سمنان	
n.s	۷/۲۸	۴۳	۵	۴۷	n.s	۳/۱۳	۳۶	۵	۳۹	لرستان	وضع مرتع
		۴۶	۶	۳۵			۴۸	۶	۳۶	مرکزی	
		۵۰	۲۵	۱۲			۵۲	۲۶	۱۳	سمنان	
n.s	۱/۶۴	۵۷	۲۸	۵۷	n.s	۰/۳۳۹	۱۱۷	۷	۱۷	لرستان	وضع مرتع
		۸۳	۱۴	۴۵			۱۱۵	۱۱	۱۵	مرکزی	
		۳۷	۶	۴۳			۸۵	-	۶	سمنان	
n.s	۱/۱۲	۴۵	۸	۳۳	n.s	۱۱/۶	۷۶	۴	۱۱	لرستان	وضع مرتع
		۳۷	۶	۴۳			۸۵	-	۶	مرکزی	
		۴۵	۸	۳۳			۷۵	۴	۱۲	سمنان	
n.s	۰/۵۵	۸۸	۱۲	۴۹	n.s	۰/۵۲۶	۱۱۶	۱۰	۱۳	لرستان	وضع مرتع
		۸۲	۱۸	۴۹			۱۱۳	۸	۱۸	مرکزی	
		۲۲	۵	۴۴			-	-	-	سمنان	
۰/۰۲۰*	۷/۷۴	۵۵	۷	۱۹	n.s		-	-	-	لرستان	وضع مرتع
		۳۹	۹	۲۶			۶۱	۲	۶	مرکزی	
		۶۱	۴	۹			۶۰	-	۹	سمنان	
		۲۱	-	۵۳			۴۹	۱۰	۱۰	لرستان	

استفاده از نگرش بهره‌برداران به‌عنوان شواهدی برای جلوگیری از تخریب مراتع (مطالعه موردی: استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان) ۳۸

ادامه جدول ۲

Continued Table 2

Sig.	Chi-square	رضایت از افزایش درون واحدها			Sig.	Chi-square	رضایت از افزایش بین واحدها			سطوح متغیر بدتر شده	نام استان	نام متغیر
		زیاد	متوسط	کم			زیاد	متوسط	کم			
		۵۵	۷	۱۹			-	-	-			
n.s	۵/۵۹	۱۳۳	۷	۱۲	n.s	۵/۶۲	۱۱۵	۱۰	۱۵	کم	لرستان	
		۱۲۲	۱۵	۱۵			۱۰۹	۱۷	۱۴	متوسط		
		۱۳۲	-	۲۱			-	۱۲۰	-	زیاد		
n.s	۱/۸۹	۳۳	۱۰	۴۳	n.s	۵/۲۱	۷۳	۷	۱۰	کم	مرکزی	
		۵۴	۸	۳۳			۸۱	-	۹	متوسط	ادامه زندگی دامداری	
		۴۴	۴	۳۷			۸۲	-	۸	زیاد		
n.s	۱/۸۹	۳۳	۱۰	۴۳	n.s	۵/۲۱	۷۳	۷	۱۰	کم	سمنان	
		۴۵	۸	۳۳			۸۱	-	۹	متوسط		
		۴۴	۴	۳۷			۸۲	-	۸	زیاد		
۰/۰۱۷*	۸/۰۳	۵۹	۱۲	۵۱	۰/۰۱۸*	۱۱/۸۲	۴۶	۴۹	۶۰	بلی	لرستان	
		۸۹	۱۲	۲۱			۶۲	۱۹	۷۵	خیر		
n.s	۲/۸۰	۲۱	۶	۳۵	n.s	۸/۸۷	۵۲	۲۲	۱۱	بلی	مرکزی	
		۲۱	۶	۳۵			۶۱	-	۴	خیر	تجاوز به مرتع	
n.s	۰/۰۱۱	۲۱	۶	۳۵	n.s	۳/۳۴	۵۲	۲	۱۱	بلی	سمنان	
		۲۱	۶	۳۵			۶۱	-	۴	خیر		
n.s	۰/۸۷	۸۷	۱۳	۵۰	n.s	۵/۶۱	۶۴	۵۰	۸۲	دارد	لرستان	
		۸۳	۲۲	۴۴			۸۵	۵۰	۷۸	ندارد		
n.s	۱/۲۶	۴۲	۷	۳۶	n.s	۲/۹۷	۷۷	۱	۱۰	دارد	مرکزی	
		۴۱	۷	۱۹			۸۱	۴	۴	ندارد	شورای اسلامی	
n.s	۰/۰۲۰	۴۲	۷	۳۷	n.s	۱/۴۹	۷۷	۱	۱۰	دارد	سمنان	
		۴۱	۷	۳۷			۸۱	۴	۴	ندارد		
n.s	۲/۷۹	۸۱	۹	۴۵	n.s	۱۴/۵۴	۴۸	۴۸	۷۶	کم	لرستان	
		۸۶	۱۳	۳۶			۴۵	۴۷	۸۱	متوسط		
		۶۶	۱۸	۵۱			۷۴	۳۸	۶۱	زیاد	رضایت از شورای اسلامی	
n.s	۷/۱۷	۲۹	۴	۳۴	n.s	۶/۲۶	۶۴	-	۴	کم	مرکزی	
		۳۸	۹	۲۰			۵۴	۲	۲۱	متوسط		
		۲۶	۳	۳۸			۶۲	-	۶	زیاد		
n.s	۱/۳۸	۸۲	۶	۵۸	n.s	۳/۵۶	۷۵	۶۲	۷۱	دارد	لرستان	
		۸۲	۲۲	۴۳			۵۳	۵۳	۸۶	ندارد		
n.s	۳/۰۵	۲۹	۱۰	۴۸	۰/۰۱۴*	۱۲/۴۴	۷۸	-	۲۰	دارد	مرکزی	
		۴۴	۷	۳۷			۸۱	۲	۷	ندارد	شرکت تعاونی عشایری	
n.s	۰/۹۰	۳۹	۱۰	۴۸	n.s	۱/۸۷	۷۱	-	۲۰	دارد	سمنان	
		۴۴	۷	۳۷			۸۱	۲	۸	ندارد		
n.s	۲/۶۳	۵۷	۳	۱۶	n.s	۱/۲۸	۷۱	۳	۳	کم	لرستان	
		۴۱	۳	۳۲			۶۳	۶	۶	متوسط		
		۵۱	۳	۲۲			۶۶	۳	۶	زیاد	فایده شرکت تعاونی عشایری	
n.s	۱۳	-	-	۹	n.s	۱۱	۱۱	-	-	کم	مرکزی	
		۹	-	-			۱۱	-	-	متوسط		
		۳	۳	۳			۵	-	۶	زیاد		
n.s	۰/۳۲۹	۸۱	۱۵	۵۱	n.s	۰/۸۱۷	۱۰۸	۸	۱۹	بلی	لرستان	
		۸۸	۱۳	۴۶			۱۱۶	۶	۱۳	خیر		
n.s	۰/۶۲	۳۸	۸	۱	n.s	۲/۲۸	۷۵	۴	۸	بلی	مرکزی	
		۴۶	۶	۳۴			۸۰	-	۸	خیر	تمایل به ترک دامداری	
n.s	۰/۶۲	۳۸	۸	۳۸	n.s	۲/۲۸	۷۵	۴	۸	بلی	سمنان	
		۴۵	۶	۳۴			۸۰	-	۸	خیر		
n.s	۱۱/۷۰	-	-	۷۴	n.s	۴/۵۳	۶۹	-	-	عرف	سمنان	
		۳۹	۹	۲۶			۶۱	۲	۶	قانون	تعیین حد و مرز مراتع	
		۶۱	۴	۹			۶۰	-	۹	عرف و قانون		
		۲۱	-	۵۳			۴۹	۱۰	۱۰	سایر		

بهره‌برداران فاقد تحصیلات نگرش‌های متفاوتی بدون جهت‌گیری خاص در تعیین حد و مرز مراتع توسط عرف و قانون داشته‌اند. در حقیقت، بهره‌برداران با توجه به دانش بومی خود عرف یا قانون را در اولویت قرار داده‌اند و از آنجایی که دانش بومی وابسته و سازگار به خاستگاه جغرافیایی است، به همین دلیل بهره‌برداران استان‌های مختلف اولویت‌های متفاوتی را برگزیده‌اند. این در حالی است که افزایش آگاهی اغلب یک پیش‌نیاز یا یک هدف برای تغییر نگرش تلقی می‌شود (۱۹).

مطابق نتایج جدول ۳، در استان لرستان از بین متغیرهای فردی و اجتماعی مختلف فقط بین متغیرهای تحصیلات ($p < 0.05$)، تمایل به ترک دامداری ($p < 0.05$)، وجود شرکت تعاونی عشایری ($p < 0.01$)، و نظر بهره‌برداران نسبت به نقش عرف و قانون رابطه معنادار وجود دارد. از این رو، استنباط می‌شود که در استان لرستان بهره‌بردارانی که از تحصیلات خاصی برخوردار نبوده‌اند (بی‌سواد)، گرایش بیشتری به عرف در تعیین حد و مرز مراتع از خود نشان داده‌اند.

در استان سمنان فقط بین متغیر وجود شرکت تعاونی عشایری و نظر بهره‌برداران نسبت به نقش عرف و قانون در تعیین حد و مرز مراتع ارتباط معنادار وجود دارد. بطوریکه با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بهره‌بردارانی که شرکت تعاونی عشایری دارند بیشتر طرفدار قانون هستند و بالعکس.

در مورد متغیر شرکت تعاونی عشایری، باید اذعان نمود که از آنجایی که موفقیت تعاونی‌ها منوط به سه اصل حداقل سود و خدمات بهتر، آزادی عضویت و رعایت انصاف و عدالت می‌باشد (۲)؛ به نظر می‌رسد بهره‌برداران دارای شرکت تعاونی عشایری به خوبی به نقش و اجرای قانون از سوی تعاونی‌ها و اثرات مثبت آنها در راستای اهداف خود پی برده‌اند، لذا این گروه از بهره‌برداران قانون را در تعیین حد و مرز مراتع اولویت انتخاب خود قرار داده‌اند.

اما در استان مرکزی افراد بی سواد گرایش بیشتری به قانون دارند. در واقع، افراد فاقد تحصیلات نگرش‌های متفاوتی در تعیین حد و مرز مراتع توسط عرف و قانون دارند و جهت‌گیری مشخصی در این راستا ندارند. همچنین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بهره‌بردارانی که تمایل به ترک دامداری دارند گرایش کمتری به قانون و تمایل بیشتری به عرف نسبت به بهره‌برداران دیگر دارند.

بهره‌بردارانی که تمایل به ترک دامداری دارند برای تعیین حد و مرز مراتع عرف را به عنوان اولویت انتخاب کرده‌اند. در این گروه از بهره‌براران حد و مرز قانونی مراتع هنگامی موفق و مورد پذیرش قرار گرفته است که با حدود عرفی تطابق داشته است. بین سایر متغیرها و نظر بهره‌برداران نسبت به نقش عرف و قانون در تعیین حد و مرز مراتع رابطه آماری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون کای اسکور برای بررسی متغیرهای فردی واجتماعی موثر بر نقش عرف و قانون در تعیین حد و مرز مراتع در

سه استان لرستان، مرکزی و سمنان

Table 3. Summary of chi-square test results to investigate individual and social variables affecting the role of custom and law in determining the boundaries of rangeland in three provinces of Lorestan, Markazi and Semnan

Sig.	Chi-square	تعیین حد و مرز مراتع			سطوح متغیر	نام استان	نام متغیر
		سایر	عرف و قانون	قانون			
n.s	۷/۴۸	-	-	۳۰	۱۳۷	لرستان	کوچنده
		-	۷	۱۷	۱۴۳		
		-	۲	۲۰	۱۴۴		
n.s	۴/۱۴	-	۲۲	۶۵	-	مرکزی	نیمه کوچنده
		-	۸۷	-	-		
		۹	۱۹	۵۴	۵		
n.s	۱	-	۴۵	۴۶	۵۹	سمنان	نیمه کوچنده
		-	-	-	-		
		-	۲۸	۴۷	۷۵		
n.s	۱۳/۳۴	-	-	۲۳	۱۴۳	لرستان	دامداری
		-	۹	۲۱	۱۳۶		
		۱۰	۱۶	۵۶	۵		
n.s	۲/۳۹	۵	۲۴	۵۲	۵	مرکزی	کشاورزی
		-	۸	۱۱۱	۴۸		
		۶	۲۵	۱۰۵	۳۱		
n.s	۱۰/۷۰	-	۳۹	۱۰۷	۲۱	لرستان	۳۰-۴۵
		۴	۱۱	۱۲۸	۲۵		
		-	۸	۱۱۱	۴۸		
n.s	۸/۴۸	۱۷	۱۷	۳۵	۱۷	مرکزی	سن
		۱۰	۲۴	۴۵	۷		
		۳	۱۲	۶۹	۳		
n.s	۱۱/۲۳	-	۷۵	۴۵	۳۰	سمنان	۳۰-۴۵
		-	۴۸	۴۴	۵۸		
		-	۲۵	۳۹	۸۶		
۰/۰۲۱*	۱۷/۹۵	-	۲	۱۵	۱۵۰	لرستان	بی سواد
		-	۸	۳۷	۱۲۲		
		-	-	۲۹	۱۳۸		
۰/۰۲۰*	۱۴/۹۳	۶	۱۵	۶۶	-	مرکزی	ابتدایی
		۱۱	۲۶	۴۵	۵		
		۷	۲۲	۳۶	۲۲		
n.s	۲/۰۳	-	۴۵	۵۲	۵۲	سمنان	بی سواد
		-	۲۸	۴۳	۶۹		
		-	۴۸	۳۸	۶۴		
			۶۰	۴۲	۴۸		خیر

ns: عدم وجود اختلاف معنی‌دار، * : اختلاف معنی‌دار در سطح ۵٪، **: اختلاف معنی‌دار در سطح ۱٪

استفاده از نگرش بهره‌برداران به‌عنوان شواهدی برای جلوگیری از تخریب مراتع (مطالعه موردی: استان‌های لرستان، مرکزی و سمنان) ۴۰

ادامه جدول ۳

Sig.	Chi-square	تعیین حد و مرز مراتع				سطوح متغیر	نام استان	نام متغیر
		سایر	عرف و قانون	قانون	عرف			
n.s	۹/۲۵	-	۷	۷	۱۵۴	<۵	لرستان	بعد خانوار
		-	۲	۲۱	۱۴۴	۱۰-۵		
		-	۵	۳۷	۱۲۶	>۱۰		
n.s	۱/۶۷	۸	۱۸	۵۶	۵	<۵	مرکزی	
		۸	۲۳	۵۲	۴	۱۰-۵		
		۱۱	۱۱	۵۴	۱۱	>۱۰		
n.s	۳/۷۸	-	۱۴	۱۲۳	۲۶	دارد	لرستان	
		-	-	-	-	ندارد		
n.s	۳/۸۲	۸	۲۳	۴۶	۸	دارد	مرکزی	طرح مرتعداری
		۶	۱۵	۶۲	۲	ندارد		
n.s	۴/۴۴	-	۳۰	۵۰	۷۰	دارد	سمنان	
		-	۵۴	۴۳	۵۴	ندارد		
n.s	۳/۷۸	۶۵	-	۱۴	۱۴۹	بهبتر شده	لرستان	
		-	۵	۲۵	۱۳۴	بدتر شده		
n.s	۲/۷۷	۷	۲۲	۴۷	۷	بهبتر شده	مرکزی	وضع مرتع
		۹	۱۵	۵۸	۲	بدتر شده		
n.s	۰/۴۹۹	-	۴۹	۴۵	۵۶	بهبتر شده	سمنان	
		-	۴۱	۴۶	۶۳	بدتر شده		
n.s	۵/۶۲	-	۲۴	۱۱۶	۲۶	کم	لرستان	
		۹	۲۸	۹۶	۳۲	متوسط		
		۳	۱۷	۱۱۵	۳۱	زیاد		
n.s	۷/۹۴	۷	۱۷	۵۸	۳	کم	مرکزی	ادامه زندگی دامداری
		-	۶	۷۵	۶	متوسط		
		۱۱	۲۶	۴۳	۶	زیاد		
n.s	۶/۸۱	-	۵۲	۷۲	۲۶	کم	سمنان	
		-	۲۸	۴۱	۷۱	متوسط		
		-	۴۳	۴۱	۶۶	زیاد		
n.s	۷/۱۷	-	۲	۲۸	۱۰۴	بلی	لرستان	
		-	۲	۷	۱۲۳	خیر		
n.s	۵/۰۸	۸	۸	۳۹	۴	بلی	مرکزی	تجاوز به مرتع
		-	۱۵	۴۱	۲	خیر		
n.s	۰/۵۰۷	-	۴۲	۴۹	۵۸	بلی	سمنان	
		-	۴۴	۴۲	۶۵	خیر		
n.s	۲/۴۶	-	۴	۲۳	۱۳۶	دارد	لرستان	
		-	-	۱۷	۱۴۶	ندارد		
n.s	۰/۶۱۹	-	۴۳	۴۵	۶۲	دارد	سمنان	شورای اسلامی
		-	۴۳	۶۴	۴۳	ندارد		
n.s	۱۴/۴	-	-	۱۲	۱۳۳	کم	لرستان	
		-	۳	۳۳	۱۰۹	متوسط		
		-	۵	۱۰	۱۲۹	زیاد		
n.s	۲/۸۱	۵	۱۷	۳۴	۴	کم	مرکزی	رضایت از شورای اسلامی
		-	۱۶	۴۵	-	متوسط		
		-	-	-	-	زیاد		
n.s	۴/۴۸	-	۳۰	۴۸	۷۲	کم	سمنان	
		-	۵۰	۴۳	۵۷	متوسط		
		-	۵۰	۷۵	۲۵	زیاد		
n.s	۱/۵۵	-	۲	۲۴	۱۳۴	دارد	لرستان	
		-	۴	۴	۱۳۶	ندارد		
n.s	۳/۲۳	۱۵	-	۵۸	۱۵	دارد	مرکزی	شرکت تعاونی عشایری
		۷	۲۱	۵۴	۴	ندارد		
۰/۰۰۰**	۱۵/۸۲	-	۶۱	۶۵	۲۴	دارد	سمنان	
		-	۳۵	۲۸	۷۶	ندارد		
n.s	۶/۳۷	۶	-	-	-	کم	مرکزی	
		-	-	۶	-	متوسط		
		-	-	۵	۲	زیاد		
n.s	۵/۸۶	-	۲۰	۲۱	۷	کم	سمنان	فایده شرکت تعاونی عشایری
		-	۱۸	۱۲	۱۸	متوسط		
۰/۰۴۱*	۹/۹۶	-	۶	۱۵	۱۳۹	بلی	لرستان	
		-	-	۲۸	۱۳۲	خیر		
n.s	۳/۰۱	۴	۲۵	۵۳	۴	بلی	مرکزی	تمایل به ترک دامداری
		۱۱	۱۵	۵۵	۶	خیر		
n.s	۴/۹۱	-	۳۵	۴۸	۶۸	بلی	سمنان	
		-	۶۰	۴۲	۴۸	خیر		

ns: عدم وجود اختلاف معنی‌دار، *: اختلاف معنی‌دار در سطح ۵٪، **: اختلاف معنی‌دار در سطح ۱٪

زیرا یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش مراتع یک مساله است و از آنجایی که اکثر بهره‌برداران به دلیل وضع نامطلوب مراتع با افزایش مراتع موافق هستند تا با برعهده گرفتن مدیریت مرتع وضع مراتع خود را بهبود بخشند؛ لذا نمی‌توان بر خلاف رای و نظر بهره‌برداران حرکت کرد و به اهداف بلندمدت توسعه پایدار و جلوگیری از تخریب مراتع دست یافت. بعلاوه، نتایج این تحقیق بیانگر این مطلب است که بررسی نگرش‌های بهره‌برداران در تمام مراحل حفاظت و جلوگیری از تخریب مراتع از برنامه‌ریزی و اجرا تا مدیریت پایدار مفید می‌باشد؛ زیرا منجر به اتخاذ تصمیمات بی‌طرفانه براساس اطلاعات علمی و عینی می‌شود.

به‌طور کلی با توجه به مطالب بیان شده چنین استنباط می‌شود که مدیریت موفق مراتع باید به دنبال جلب نگرش‌های متنوعی از تعامل‌های مختلف باشد؛ بطوریکه نه تنها دیدگاه‌های اخلاقی (دیدگاه‌های افراد غیربومی، به‌عنوان مثال سیاست‌گذاران و پژوهشگران) را شامل شود بلکه نگرش‌های عاطفی (دیدگاه‌های افراد بومی، مانند کشاورزان و مرتعداران) را نیز شامل شود؛ زیرا در صورت نادیده گرفتن عوامل اجتماعی به ویژه خصوصیات فردی و اجتماعی بهره‌برداران ممکن است برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرای در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار منابع طبیعی با شکست مواجه شود. این موضوع در مورد افزایش مراتع نیز صدق می‌کند.

منابع

1. Abdolmaleki, M., Gh. Pezeshki Rad and M Chizari. 2007. An investigation on shortterm extension and educational cources relating to ranchers in Tuyserkhan Township, Iran. Journal of Agricultural Scences Islamic Azad University, 13(1): 39-53 (In Persian).
2. Adrian, J.L. and T. Wade Green. 2001. Agricultural cooperative managers and the business environment. Journal of Agribusiness, 19(1): 17-33.
3. Amiri, F. and H. Arzani. 2009. Grazing management an ecological perspective. 1nd edn, Publications of Islamic Azad University, Bushehr Branch, 394 pp (In Persian).
4. Arzani, H., A. Eftekhari, M.R. Bihamta, E. Zandi Esfahan and V. Mozaffarian. 2014. Investigation on effects of range management plans, property size and number of land unit owners on rangeland (case study: Saveh rangelands). Journal of Biodiversity and Environmental Sciences (JBES), 4(1): 81-89.
5. Azizpourfard, F., S. Ghobadi Aliabadi and M. Chizari. 2014. The effect of social capital on the success of the dairy farmer's cooperative in Kouhdasht Township. Journal of Co-Operation and Agriculture, 3(12): 1-21.
6. Cao, J.J., E.T. Yeh, N.M. Holden, Y.Y. Yang and G. Du. 2013. The effects of enclosures and land-use contracts on rangeland degradation on the Qinghai-Tibetan Plateau. Arid of Environment, 97: 3-8.
7. Corson, C. and K.I. MacDonald. 2012. Enclosing the global commons: the convention on biological diversity and green grabbing. Journal of Peasant Studies, 39: 263-283.
8. Ellis, J.E. and D.M. Swift. 1988. Stability of African pastoral ecosystems: alternate paradigms and implications for development. Journal Range Management, 41: 450-459.
9. Farahanifard, S. and H. Sadeghih. 2006. Ownership structure and its impact on the exploitation of natural resources (comparative review). Iranian Journal of Economic Researchis, 6(4): 131-154 (In Persian).
10. Fernandez-Gimenez, M.E. 2000. The role of Mongolian nomadic pastoralists' ecological knowledge in rangeland management. Ecological Applications, 10, 1318-1326.
11. Greenhalgh, L. and Z. Rosenblatt. 1984. Job insecurity: toward conceptual clarity, academy of management review. 9(3): 438-448.
12. Hardin, G. 1968. The tragedy of commons. Science, 162: 1243-1248.
13. Heydari, Q., Sh. Rastgar and B. Forootani. 2015. Investigating socio-economic factors affecting the participation of local communities in the sustainable management of rangelands (case study: Bahar rangelands in Hamadan province). Journal of Range Management, 1(2): 89-110.
14. Karimian, A.A. 2012. Investigation of some socio-economic problems in different utilization methods of rangelands (case study: Nodushan area, Yazd province). Arid Biome Scientific and Research Journal, 2(2): 54-62.
15. Khorshidi, M. and N. Ansari. 2003. Understanding the awareness of nomads and villagers toward the destruction of natural resources and its factors in Bazfat village of Chaharmahal and Bakhtiari province. Iranian Journal of Range and Desert Research, 10(1): 95-109 (In Persian).
16. Khwarae, G.M. 2006. Community perceptions of rangeland degradation and management systems in Loologane and Shadishadi, Kweneng North, Botswana. Master's thesis, Norwegian University of Life Sciences, Ås, Norway, 1-64.
17. Kristjanson, P., R.S. Reid, N. Dickson, W.C. Clark, D. Romney, R. Puskur, S. MacMillan and D. Grace. 2009. Linking international agricultural research knowledge with action for sustainable development. Proceedings of the National Academy of Sciences, 106: 5047-5052.
18. Mesdaghi, M. 2007. Range management in Iran. 2nd edn., Astan Quds Razavi Publications, 326 pp (In Persian).

19. Mousavi, F. and R. Reihany. 2012. Investigation of users' attitude toward sustainab groundwater resource management emphasizing on demographic characteristics. The 4th Congress of Extension Sciences and Education of Agriculture and Natural Resources of Iran, 1-16 (In Persian).
20. Norouzi, B., N. Rostami, M. Tavakoli and M. Rostaminia. 2021. Investigation of quantitative and qualitative changes in vegetation and soil around Ilam cement factory. *Degradation and Rehabilitation of Natural Land*, 2(3): 35-43 (In Persian).
21. Oba, G., E. Post, P.O. Syverstssen and N.C. Stenseth. 2000. Bush cover and range condition assessments in relation to landscape and grazing in southern Ethiopia. *Landscape Ecology*, 15(6): 535-546.
22. Pullin, A.S., W. Sutherland, T. Gardner, V. Kapos and J.E. Fa. 2013. Conservation priorities: identifying need, taking action and evaluating success. *Key Topics in Conservation Biology*, 2: 3-2.
23. Sayareh, j., S. Iranshahi and H. Tahmak. 2013. Investigating and ranking factors affecting the job satisfaction of the employees of Ports and Maritime Organization (Exploratory study: Ports and Maritime Organization of Imam Khomeini Port (Rh)), *Journal of Oceanography*, 4(15): 116-128.
24. Shahraki, M.R., H. Barani and A. Abedi-Sarvestani. 2012. Individual factors affecting success of rangeland cooperatives: a study in Golestan province. *Journal of Co-Operation and Agriculture*, 23(9): 37-51.
25. Tahmasebi, A. 2013. Pastoral vulnerability to socio-political and climate stresses: The Shahsevan of North Iran. LIT Verlag Munster, 170 pp.
26. The plan to determine the economic sizes and basic social units of rangeland. 2000. Natural sources & Watershed management Organization, 97 pp.
27. Yayneshet, T., L.O. Eik and S.R. Moe. 2008. The effects of exclosures in restoring degraded semi-arid vegetation in communal grazing lands in northern Ethiopia, *Journal of Arid Environments*, 73(4-5): 542-549.
28. Zabihi Silabi, M., S.H. Sadeghi and R. Mostafazadeh. 2021. Effects of the implementing land use-based scenarios in the prioritized sub- watersheds on soil erosion and sediment yield of the Glazchai watershed, Oshnavieh, Iran. *Degradation and Rehabilitation of Natural Land*, 2(3): 88-99 (In Persian).

Using the Attitude of Stakeholders as Evidence to Prevent the Destruction of Rangelands (Case Study: Lorestan, Markazi and Semnan Provinces)

Hossein Arzani¹, Ali Akbar Mehrabi², Setareh Bagheri³, Mohammad Reza Ali Zare⁴

1- Corresponding Author, Professor, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran,
(Corresponding author: harzani@ut.ac.ir)

2- Professor, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran

3- Postdoctoral Researcher, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran

4- M.Sc. in Range Science and Engineering, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran

Received: 11 August, 2022 Accepted: 19 October, 2022

Extended Abstract

Introduction and Objective: Rangeland management is more difficult than other areas because the management of these areas includes integration and management of forage production, livestock production and forage utilization at one time and one place. Therefore, it is important to consider the various dimensions of the stakeholder groups in the management and long term planning of rangelands. This research was conducted with the aim of investigate the attitude of stakeholders towards rangeland apportion in three provinces of Lorestan, Markazi and Semnan. This included apportioning between and within utilization units and determining the boundaries of rangeland using common parlance, law, or both.

Matrial and Methods: In order to collect data, levels were first considered for each of the variables. Then the data were collected using a a standardized questionnaire and analyzed using the chi-square test in SPSS software.

Results: From the results of the frequency of the variables, it was found that from the point of view of the most of the respondents, the apportion between the utilization units has been done; While the apportion within the utilization units has not been done. In addition, in Lorestan and Central provinces, 68.90% and 68.35% of stakeholders, respectively, gave more importance to the legal in determining the boundaries of rangelands. But in Semnan province, 40.67% of the stakeholders have given more importance to custom. Also, the result showed that most stakeholders were satisfied with the apportion of utilization units between and within units. In Lorestan province there was a significant relationship between the job variable ($p<0.01$) and invasion to rangelands ($p<0.05$) with satisfaction with the apportion between utilization units, invasion to rangelands ($p<0.05$) with satisfaction with apportion of utilization units and education ($p<0.05$) and tendency to leave the job in custom or legal way in determining rangeland boundaries. Also in Markazi province, there was a statistically significant relationship between the variable of nomadic cooperative company ($p<0.05$) with the apportion between utilization units and in Semnan province between the variable of rangeland condition and the variable of apportion within utilization units ($p<0.05$).

Conclusion: According to the findings of this research, from the point of view of the stakeholders, the apportion utilization units is a problem in Iran, but in other countries, the apportion utilization units has not been a problem.

Therefore, it is necessary to solve this problem based on local knowledge of the region. Because this leads to making unbiased decisions based on scientific and objective information. In addition, rangeland protection policies and measures can be improved based on the attitude of the stakeholders. In general, investigating the attitude of the stakeholders, in addition to providing important insights about the observations, understanding and interpretation of the social effects and ecological results of the destruction of rangelands, guarantees the support of the stakeholders in the long term.

Keywords: Collective management, Lorestan, Private management, Rangelands, Stakeholders